

### متن پرسش

هر چه به تو نگاه می‌کنم و به مشی لحظه به لحظه و در هر میدان مبارز بودنت، به اینکه تاریخ صدر اسلام را تمام لحظات مبارزه گونه‌اش از جهاد اکبر و اصغر را در این زمانه حاضر کردی، حیرت می‌کنم. تو نیز "لمعاهای" و "لمحاهای" از آسمان ولایت بودی که به ما عطا شدی. اینکه چگونه این سیره و این مشی را یافتی نمیدانم، اما در اوج زمین‌گیری و زمین‌خوردگی‌ام هنوز تو را طلب دارم و زندگی مبارزه‌گونه‌ات را هر چند هنوز ناکام ناکام خود را می‌یابم. اینکه این زمین‌گیری را چگونه فکر کنم بماند، این مبارزه عطای الهی‌ای است که به خاطرش تو را به ما دادند: "مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَبِئاً لِّخَلْقِنَا (لِخَلْقِنَا) وَ طَهَارَةً لِّلْأَنْفُسِنَا وَ تَرْكِيَةً لَّنَا وَ كَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا". مقاومت و مبارزه عطایی الهی است که در تو جلوه‌گر شد. و این افقی که از تشییع شما می‌رود که روشن‌تر و روشن‌تر شود، مشی مبارزه در تمام وجوه را می‌طلبد. آری افق آینده را تشییع تو روشن کرده است، آینده بدون آمریکا و اسرائیل در افق تشییع تو میتوان از سر حیرت به نظاره نشست، هر چند عادات غربی‌مان کوره راهش کرده است. تشییع تو را که میبینم، آری عزای تو از جنس عزای سیدالشهداست و باید با اراده‌ای قوی‌تر این راه را برویم، اما غمی سنگین از جنس هدر رفتن عمر و نیافتن و نرفتن و نشدن بر دلم سنگینی می‌کند. تو را و شهیدانت را که میبینم، بگو چه کنم؟ حاج قاسم را که میبینم، تمام غم‌های از دست رفتنم و اینکه چه عمری از من تباه شده بیچاره‌ام می‌کند. بماند... شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود بار بربست و به گردش نرسیدیم و برفت بس که ما فاتحه و حرز یمانی خواندیم وز پی اش سوره اخلاص دمیدیم و برفت عشوه دادند که بر ما گذری خواهی کرد دیدی آخر که چنین عشوه خریدیم و برفت شد چمان در چمن حسن و لطافت لیکن در گلستان وصالش نچمیدیم و برفت همچو حافظ همه شب ناله و زاری کردیم کای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت خواجه حافظ شیرازی Esharenakhana@

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم : همه عرض بنده آن است که . نه!!! هیچ زمانی را نخواهید یافت که «او» با ما نباشد. آیا جز آن است که خداوند او را در همه ابعاد پرورش داد تا ما امروز با کسی روبرو باشیم که پرورش یافته خداوند است در همه ابعاد، به همان معنایی که پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله فرمودند: «من رآنی فقد رأى الله» آیا تشییع آن مرد الهی نظر به افقی نیست که او با شخصیت همه جانبه خود در مقابل ما گشود تا انسانیتی را که انسان‌ها می‌توانند در آن حاضر شوند بنگریم؟

در جواب یکی از کاربران محترم عرض شد: در جمال آن امام شهید، ربوبیت حضرت ربّ العالمین را به تماشا بنشینیم و بیندیشیم و باز بیندیشیم چگونه در جمال این رهبر شهید می‌توانیم حضور ربوبیت حضرت ربّ العالمین را نظاره کنیم به همان معنایی که در «عهد الست» که اصیل‌ترین حضور برای هر انسان است؛ حضرت ربّ العالمین به ظهور آمده‌اند و می‌پرسند: «الست برّکم؟» و این ماییم که به جهت حاضرشدن در عالی‌ترین حضور که از جنس حضوری است که در تشیع رهبر شهید برای‌مان پیش آمد، جواب دادیم: «بلی شهدنا». آری! می‌بینیم ربوبیت تو را که چگونه در صحنه‌هایی این‌چنین به ظهور آمدی. راستی را! در آن شرایط به کدام شخص نظر کردیم و گفتیم آری! می‌بینم که تو پروردگار عالم به ظهور آمده‌ای و من تو را مشاهده می‌کنم؟ آیا حکایت ما با رهبر شهیدمان از این جنس نیست؟ که مردم عزیز ما در این رابطه در جمال شخصیت رهبر شهید به ملاقات پروردگار عالم رفته‌اند تا راهی که راه انس با خداوند است را تجربه کنند.

همه عرض بنده در همین نکته است که می‌توانیم در شخصیت آن رهبر شهید نور ربوبیت حضرت رب العالمین را بنگریم و این است نظر به آینه ربوبیت حضرت رب العالمین. موفق باشید